

نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

هادی سلیمان‌پور*

استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

مرتضی دامن‌پاک‌جامی

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۵ - تاریخ تصویب: ۸۷/۱۲/۱۵)

چکیده

ویژگی‌های جغرافیای سیاسی ایران در حد فاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و باختر آسیا، همواره زمینه‌های بالقوه‌ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده‌اند. اما با توجه به الزام‌های ناشی از تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و نقش همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان یک بازدارنده مؤثر برای تضمین امنیت سیاسی و اقتصادی کشور در مقابل تهدیدهای خارجی، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از سوی دیگر، اسناد کلان راهبردی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی را به رسمیت شناخته و مورد تأکید قرار داده‌اند. بدیهی است که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود، باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پی‌گیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیش‌روی ایران برای بسط تجارت و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، عضویت در ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است.

کلیدواژه‌ها

ایران، دیپلماسی اقتصادی، سازمان تجارت جهانی، چندجانبه‌گرایی، اکو

مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، قدرت اقتصادی به عنصر مهم تشکیل‌دهنده قدرت سیاسی و حتی نظامی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است؛ تا جایی که اکنون رفتار اقتصادی کشورها اهمیت ویژه‌ای در مطالعات روابط بین‌الملل پیدا کرده است (علیخانی، ۱۳۸۶، ص ۶۱). امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند اقتصاد ملی خود را از درآمدهای صادرات و مزایای مشارکت در بازرگانی بین‌المللی بی‌نیاز بداند. به همین دلیل، تجارت بین‌الملل سهم قابل توجهی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و تفکر غالب بر اقتصاد بین‌الملل، تجارت آزادانه و بدون مانع کالاها و خدمات بین کشورها است که این تفکر در تشکیل سازمان تجارت جهانی^۱ تبلور یافته است.

ویژگی‌های جغرافیای سیاسی ایران و الزام‌های ناشی از تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، همکاری با کشورهای منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در این رابطه به نظر می‌رسد مهم‌ترین گزینه پیش روی ایران، تقویت همکاری‌های تجاری و آزادسازی تجاری در چهارچوب ترتیب‌های موجود همکاری منطقه‌ای نظیر اکو، اتحادیه اقیانوس هند، گروه ۱۵، گروه دی-۸ و کنفرانس اسلامی و در صورت لزوم ایجاد ترتیب‌های جدید همکاری منطقه‌ای است. شاید مهم‌ترین دلیل برای پرداختن به این همکاری‌ها این است که همکاری‌های تجاری و حتی آزادسازی تجاری با همسایگان، می‌تواند به عنوان مقدمه و تمرینی برای تسهیل روند تعامل سازنده و هوشمندانه ایران با اقتصاد جهانی از طریق پیوستن آگاهانه و کم‌هزینه به سازمان تجارت جهانی تلقی شود.

تجربه دیگر کشورها مثل چین، روسیه، عربستان و الجزایر نشان می‌دهد که مذاکره‌های پیوستن ایران می‌تواند سال‌ها به طول انجامد. طبیعی است که این فرصت باید صرف آماده‌سازی اقتصاد کشور برای ورود کم‌هزینه به سازمان تجارت جهانی شود. در کنار اقدام‌های ضروری در سطح ملی برای کاهش آثار منفی پیوستن به موافقتنامه‌های گات، می‌توان تعرفه‌زدایی را با تعدادی از اقتصادهای مشابه و هم‌مرز تمرین کرد. باز کردن تدریجی بازارها بین همسایگان، ما را قادر می‌کند که با آمادگی بیشتری وارد صحنه‌های رقابت سخت و فشرده بین‌المللی در قالب همکاری‌های تجاری شویم.

1. World Trade Organization (WTO)

با توجه به آنچه گفته شد، سؤال اصلی مقاله این است که در فرآیند پیوستن به سازمان تجارت جهانی و چگونگی تعامل ایران با اقتصاد جهانی، همکاری‌های منطقه‌ای (به ویژه موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای) چه نقشی را ایفا می‌کنند و سهم سازمان اکو در این فرآیند چیست؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی تحقیق را بر این مبنا قرار می‌دهیم که با توجه به تجربه دیگر کشورهای در حال توسعه و شرایط و ویژگی‌های اقتصاد ایران، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، به ویژه موافقتنامه تجاری اکو نقش مهمی را در زمینه آماده‌سازی اقتصاد ایران برای پیوستن کم‌هزینه‌تر به سازمان تجارت جهانی و برقراری تعامل سازنده با اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. در این مقاله پس از ارائه بحث‌هایی در رابطه با ویژگی‌های نظام تجارت جهانی و منطقه‌گرایی، چگونگی تعامل ایران با اقتصاد جهانی به ویژه روند پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بررسی می‌شود.

جهانی‌شدن اقتصاد، نظام تجارت جهانی و منطقه‌گرایی

الف- دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن

دیپلماسی به روش یا فرآیند ارتباطی بین واحدهای سیاسی برای حل و فصل اختلاف‌ها و تعارض‌ها از طریق مذاکره و ابزار سیاسی در خدمت بازیگران بین‌المللی (واحدهای سیاسی)، برای اجرای اهداف سیاست خارجی آنها گفته می‌شود که از دوران باستان تا عصر حاضر مسیر طولانی و پرفراز و نشیبی را طی کرده و اگر چه ماهیت آن کمابیش ثابت مانده است، اما کارکرد و اهداف آن در مسیر زمان با تغییرات بنیادین مواجه شده است (وایت، ۱۳۸۳، صص ۷۱۴-۷۱۵).

امروزه، به واسطه تغییرهای شگرفی که در صحنه بین‌المللی به وقوع پیوسته، مسئله تنظیم روابط اقتصادی خارجی به مرکز دیپلماسی منتقل شده و اهمیتی مشابه موضوع‌های سیاسی پیدا کرده است. تا آنجا که هم اکنون سهم بالایی از مذاکره‌های سیاسی مقامات کشورها برای مذاکره‌های تعرفه‌ای است و طرح موضوع‌های عادی اقتصادی در مذاکره‌های رسمی رهبران سیاسی و مقامات عالی‌رتبه کشورها امری طبیعی تلقی می‌شود (Kishan, 2000, P.112). دیپلماسی اقتصادی در تلاش برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی در صحنه بین‌المللی برای کسب نفوذ سیاسی و کمک به دستیابی به اهداف اقتصادی (و منافع ملی) یک کشور است (موحدین، ۱۳۸۶، صص ۳۹-۳۸).

از سوی دیگر، دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد، با واژه‌ای به نام جهانی شدن پیوند خورده است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، جهانی شدن اقتصاد بارزترین و مشخص‌ترین بعد جهانی شدن به شمار می‌رود که نسبت به سایر ابعاد آن گستردگی، سرعت و عمق بیشتری دارد (اخوان زنجانی، ۱۳۸۳، ص ۷۲).

ب- اهداف و ویژگی‌های سازمان تجارت جهانی

در اقتصاد جهانی شده، گسترش تجارت خارجی جایگاه ویژه‌ای داشته و آزادسازی بازارهای تجاری به سمبل جهانی شدن تبدیل شده است. امضای موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و تبدیل آن به سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ مؤید این موضوع است. روند افزایش اعضای سازمان جهانی تجارت که امروزه ۱۵۳ کشور را شامل می‌شود، بیانگر اهمیت نقش این نهاد در برقراری تجارت آزاد و ایجاد وابستگی اقتصاد کشورها به یکدیگر و نماد برجسته‌ای از جهانی شدن اقتصاد محسوب می‌شود (بهکیش، ۱۳۸۵، ص ۳۲). امروزه بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی بین اعضای سازمان تجارت جهانی و در چهارچوب موافقتنامه‌های گات انجام می‌گیرد (UNCTAD, 2006).

هدف سازمان تجارت جهانی فراهم کردن ترتیب‌هایی برای کاهش تعرفه‌ها، از میان برداشتن سایر موانع تجاری و نیز برطرف کردن تبعیض‌های تجاری است. در راستای این اهداف، پنج وظیفه (و یا نقش) اصلی سازمان تجارت جهانی بر اساس ماده سوم موافقتنامه مراکش (سند مؤسس سازمان) عبارتند از:

- تسهیل اجرا، مدیریت و عملیاتی کردن موافقتنامه‌های چندجانبه گات،
- مجمعی برای ادامه مذاکره‌های تجاری بین کشورها با هدف آزادسازی بیشتر،
- رفع اختلاف‌های تجاری اعضا، نظارت و بازبینی سیاست‌های تجاری ملی و همکاری با دیگر سازمان‌های بین‌المللی برای هماهنگی بیشتر در سیاست‌گذاری امور تجاری (WTO, 1995, P.7) چهارچوب گات بر چهار قاعده اصلی استوار است که عبارتند از:
- حمایت از صنعت داخلی در مقابل رقابت خارجی از طریق وضع تعرفه‌ها در حد قابل قبول و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای،
- شفافیت در مناسبات و عملکرد تجاری،
- رفتار غیر تبعیض‌آمیز در روابط تجاری یا تعمیم اصل کامله الوداد،

- قاعده رفتار ملی که بر اساس آن، کشورها از تبعیض میان کالاهای داخلی و محصولات وارداتی مشابه منع شده‌اند (مرکز تجارت بین‌الملل و دبیرخانه مشترک‌المنافع، ۱۳۷۵، صص ۱۱۰-۸۹).

ج- ترتیب‌های منطقه‌ای و نظام تجارت جهانی

منطقه‌گرایی در فرهنگ مقررات سازمان تجارت جهانی به اقدام‌هایی گفته می‌شود که از سوی کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای برای آزادسازی و تسهیل تجارت در آن منطقه در قالب موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای به یکی از اشکال ترتیب‌های تعرفه ترجیحی^۱ با هدف غایی ایجاد منطقه تجارت آزاد،^۲ اتحادیه گمرکی^۳، بازار مشترک^۴ و بالاخره اتحادیه اقتصادی^۵ انجام می‌گیرد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۴، صص ۳۸-۳۷). پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دوقطبی، روند همگرایی منطقه‌ای برای تأمین نیازها و اهداف گروه‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی تغییر جهت داد و تقویت شد. در عرصه عمل، شمار قابل توجهی از سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای در این دوره شکل گرفتند.

بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت، تا پایان سال ۲۰۰۸ حدود ۴۲۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به گات و به دنبال آن به سازمان جهانی تجارت اعلام شده بود که از این میان بیش از ۲۳۰ مورد در حال حاضر لازم‌الاجرا هستند. این تعداد تا قبل از شروع به کار این سازمان ۱۲۰ مورد بود. در میان موافقتنامه‌های لازم‌الاجرا، نزدیک به ۳۰ اتحادیه و نهاد تجاری منطقه‌ای فعالیت می‌کنند که در مجموع بیش از ۲۰۰ کشور در آنها عضو هستند. اساس گزارش آنکتاد، سهم بلوک‌بندی‌هایی مثل اتحادیه اروپا، نفتا و آسه‌آن از تجارت جهانی در سال ۲۰۰۷ به ترتیب ۳۸، ۱۷/۵ و ۶ درصد بوده است (UNCTAD, 2007).

به طور کلی، در ارزیابی خوش‌بینانه، دلایل رشد ترتیب‌های منطقه‌ای در دهه ۱۹۹۰ و گرایش خاص کشورهای در حال توسعه به این نوع از همکاری‌ها را می‌توان در مواردی نظیر دسترسی آسان‌تر به بازارهای جنوب در مقایسه با بازارهای کشورهای توسعه‌یافته، امکان تخصصی شدن صادرات کشورهای در حال توسعه و افزایش ظرفیت‌های صادراتی آنها، امکان مبادله راحت‌تر

-
1. Preferential Trade Arrangements (PTA)
 2. Free Trade Area (FTA)
 3. Customs Union
 4. Common Market
 5. Economic Union

تکنولوژی، دانش فنی و تجربه‌های بین کشورهای در حال توسعه و به عنوان ابزاری برای تعامل بهتر با اقتصاد جهانی خلاصه کرد (دامن پاک جامی(الف)، ۱۳۸۶، صص ۳۰-۲۸).

چگونگی تعامل ایران با اقتصاد جهانی و دستیابی به بازارهای صادراتی

مؤسسه‌های اقتصادی بین‌المللی، قدرت اقتصادی یک کشور را با شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، حجم واردات و صادرات و نظایر آن می‌سنجند. به گزارش صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۷ به حدود ۲۹۰ میلیارد دلار رسید. این رقم در سال ۲۰۰۸ به بیش از ۳۶۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. این آمار، ایران را بعد از ترکیه و عربستان، در جایگاه سوم خاورمیانه قرار می‌دهد. از سوی دیگر، صاحب‌نظران علم اقتصاد، در تعیین حدود توان اقتصادی کشورها حداقل ۱۲ متغیر اصلی نظیر تولید کل، رقابت‌پذیری تولید، درجه آزادی تجارت، ابزار مدیریت، توان حفظ ثبات و استمرار رشد اقتصادی، جایگاه در سازمان‌های بین‌المللی و غیره را بر شمرده‌اند. با توجه به این متغیرها و شاخص‌های پیش گفته، جمهوری اسلامی ایران با وجود داشتن توانایی‌های بالقوه اقتصادی، تاکنون نتوانسته است به جایگاه شایسته خود در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل دست پیدا کند.

اقتصاد سیاسی وابسته به نفت که در بهترین زمان‌ها میزان وابستگی اقتصاد کشور به آن کمتر از ۶۰ درصد بوده است، تأثیرهای منفی زیادی بر همه بخش‌های اقتصادی کشور به جای گذاشته و در دو دهه اخیر به دلیل بی‌ثباتی بهای نفت در بازارهای جهانی، امکان برنامه‌ریزی درازمدت را از مسئولان اقتصادی کشور سلب کرده است. از سوی دیگر، وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران و فشارهای تحمیلی از خارج بر ساختار اقتصادی کشور (نظیر تحریم‌های اقتصادی)، سبب کاهش سهم ایران در اغلب شاخص‌های توان اقتصادی و در مجموع تعامل‌های اقتصادی با جهان خارج شده است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که اگر قرار است تولید ناخالص داخلی کشور در ده سال آینده به دو برابر میزان فعلی برسد، نیازمند رشد اقتصادی ۸ درصدی است. با این حال، متوسط رشد اقتصادی ایران بر اساس آمارهای رسمی و گزارش سالانه اقتصادی اگو طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ حدود ۷ درصد بوده است (ECO, 2006/07, P.67).

آمار و ارقام گویای آن است که سهم ایران در تجارت جهانی نیز در سال‌های اخیر کاهش یافته است. به عنوان نمونه، سهم ایران در صادرات کالایی جهان با احتساب نفت و گاز از

۰/۶۹ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۰/۶۵ درصد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافت. طبق این آمارها، اگر چه میزان صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ در بخش غیر نفتی رشد جهشی داشته و از ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ به ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ افزایش یافت و هر چند میزان درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی نیز به رقم بی‌سابقه ۶۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسید، با این حال، به دلیل رشد بی‌سابقه تجارت جهانی که از ۱۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۲۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسید (WTO, 2006)، سهم ایران از تجارت جهانی در مجموع سیر نزولی داشته است.

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس مجموعه‌ای از شرایط و الزام‌های سیاسی و اقتصادی، ناگزیر از بسط و ترویج روابط اقتصادی و گسترش مبادله‌های تجاری است. مهم‌ترین الزام، تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است که به موجب آن جمهوری اسلامی ایران باید تا سال ۱۴۰۴ خورشیدی کشوری توسعه‌یافته با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی باشد.

شواهد نشان می‌دهد که مراجع اصلی سیاست‌گذاری راهبردی و قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران با درک شرایط نوین اقتصاد جهانی، طی یک دهه گذشته سیاست‌های اقتصادی کشور را در راستای «تعامل هدفمند و سازنده با اقتصاد جهانی» و در پیش گرفتن سیاست‌های آزادسازی تجاری قرار داده‌اند، به نحوی که این رویکرد در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و نیز در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأکید قرار گرفته است.

ایران در تیر ماه سال ۱۳۷۵/ ژوئیه ۱۹۹۶ درخواست عضویت خود را در سازمان تجارت جهانی، تسلیم دبیرخانه این سازمان در ژنو کرد. اما از آن زمان تا سال ۲۰۰۳ درخواست ایران هر بار با مخالفت آمریکا از دستور خارج شد. این در حالی است که بر اساس بند یک ماده ۱۲ موافقتنامه مراکش «هر دولت یا قلمرو گمرکی مجزایی که در اداره روابط خارجی و دیگر امور پیش‌بینی شده در موافقتنامه حاضر و موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه خودمختاری کامل داشته باشد، می‌تواند طبق شرایط مورد توافق میان آن نهاد و سازمان تجارت جهانی به این موافقتنامه ملحق شود» (WTO, 1995, pp.6-7).

سرانجام بیست و دومین تقاضای عضویت ایران در نشست ۵ خرداد ۱۳۸۴ شورای عمومی سازمان تجارت جهانی مطرح و بدون مخالفت آمریکا به اتفاق آراء به تصویب رسید و ایران پس از ۹ سال انتظار به عضویت ناظر سازمان پذیرفته شد. مراحل بعدی عضویت، شامل تشکیل گروه کاری، ارائه گزارش رژیم تجاری و تهیه و تصویب پروتکل پیوستن در شورای عمومی سازمان و نهادهای قانونگذاری کشور متقاضی است.

نقش همکاری‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای در دیپلماسی اقتصادی ایران

در شرایطی که مجموعه راهبردها و سیاست‌های کلان اقتصادی کشور به سمت آزادسازی اقتصادی گرایش دارد و عضویت کامل ایران در سازمان تجارت جهانی نیز در آینده نزدیک محقق نخواهد شد و حتی در صورت تحقق آن، هنوز بسیاری از صنایع کشور نیازمند حمایت دولت برای کسب آمادگی لازم برای ورود به بازارهای جهانی هستند، تنها با در پیش گرفتن یک سیاست تجاری منطقه‌گرا می‌توان در عین آزادسازی تدریجی اقتصادی و قرار دادن صنایع کشور در معرض رقابت محدود خارجی، آنها را حمایت کرد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۳۶). به نظر می‌رسد در حال حاضر چنین سیاستی در دستور کار دولت قرار گرفته و جمهوری اسلامی ایران با کشورهای متعددی در سطوح دوجانبه و چندجانبه، موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی یا آزاد را منعقد کرده یا مذاکره‌های مربوط به آنها را آغاز کرده است.

جمهوری اسلامی ایران و همکاری‌های تجاری دوجانبه

همکاری‌های تجاری و اقتصادی ایران با کشورها در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به طور سنتی و اغلب در قالب موافقتنامه‌های دوجانبه بازرگانی و زمینه‌های مرتبط تنظیم شده است. مفاد اصلی این توافقات را موضوع‌های اجرایی تسهیل‌کننده تجارت نظیر برگزاری نمایشگاه‌ها، حمایت از سرمایه‌گذاری مشترک، اجتناب از گرفتن مالیات بیشتر و نظایر آن تشکیل می‌دهند و پی‌گیری نحوه اجرای توافقات انجام شده در قالب کمیسیون‌های مشترک اقتصادی انجام می‌گیرد.

اطلاعات نشان می‌دهد که با اینکه ایران ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه مناسبات تجاری دوجانبه دارد و گام‌هایی در این مسیر برداشته است، هنوز تا دستیابی به جایگاه قابل قبول در

تجارت جهانی راه درازی در پیش دارد. در مقابل، دلایل زیادی وجود دارد که به اتکای آنها ایران می‌تواند و باید در کنار روابط اقتصادی دوجانبه، به توسعه روابط منطقه‌ای نیز همت گمارد تا برآیند این دو، امکان تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز را فراهم کند.

ایران و همکاری‌های منطقه‌ای

آزادسازی تجاری با همسایگان در چهارچوب ترتیب‌های منطقه‌ای در دوران جنگ سرد و حضور ایران در ترتیب‌های منطقه‌ای مثل سنتو و عمران منطقه‌ای مانند دیگر کشورهای در حال توسعه ناشی از تمایل غرب برای ایجاد سدی در مقابل نفوذ کمونیسم بوده است. اما پس از انقلاب اسلامی و در پایان جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه با ویژگی‌ها و شرایط خاص خود، با توجه به مجموعه‌ای از ملاحظه‌ها و عوامل سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش تعامل با همسایگان را در دستور کار خود قرار داد. احیا و تقویت اکو در دهه ۱۳۷۰ و پیوستن تدریجی ایران به سایر همکاری‌ها و ترتیب‌های منطقه‌ای مثل دی ۸، گروه ۱۵، اتحادیه اقیانوس هند، سارک و سازمان شانگهای در همین راستا قابل ارزیابی است.

ایران در حال حاضر در شش سازمان مهم آسیایی عضویت داشته، در دو سازمان (شانگهای و سارک) ناظر است و به دنبال عضویت در بانک توسعه آسیایی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایران یکی از فعال‌ترین کشورهای آسیایی در چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای است (دامن پاک جامی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). دولت ایران در راستای گسترش مناسبات تجاری با دیگر کشورها، تاکنون در موافقتنامه‌های منطقه‌ای مختلفی عضویت یافته است و با توجه به تحول‌های بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای سال‌های اخیر، مشارکت در اینگونه همکاری‌ها سرعت بیشتری گرفته است.

۱- ایران و آزادسازی تجاری در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی^۱

بر اساس منشور سازمان کنفرانس اسلامی، حوزه وسیعی از فعالیت‌ها در زمینه‌های سیاسی اقتصادی، حقوقی، علمی و فرهنگی از طریق نهادها و مراکز فرعی و تخصصی وابسته به سازمان در دستور کار آن قرار دارند. در زمینه اقتصادی، فعالیت‌های این سازمان اغلب از طریق

1. Organization of Islamic Conference (OIC)

سه نهاد بانک توسعه اسلامی مستقر در جده، اتاق اسلامی بازرگانی، صنعت و مبادله کالا در کراچی و کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و تجاری^۱ در استانبول دنبال می‌شود. اگر چه این نهادها به ویژه بانک در کنار سایر ارگان‌ها و مؤسسه‌های تخصصی و وابسته، فعالیت‌های گسترده‌ای را در داخل کشورهای اسلامی انجام داده‌اند، اما نتوانسته‌اند تأثیر و نقش سازمان به عنوان یک نهاد واحد و یکپارچه را در اقتصاد بین‌الملل همانند ترتیب‌های بین‌دولتی مشابه مثل اتحادیه اروپا افزایش دهند.

بر اساس بیانیه نوزدهمین اجلاس کومسک، اولین دور مذاکره‌های تجاری در آوریل ۲۰۰۴ آغاز و طی ۵ نشست در نوامبر ۲۰۰۵ در استانبول به نتیجه رسید. پیش‌نویس پروتکل برای تصویب، به بیست و یکمین اجلاس وزرای کومسک ارائه و به تصویب رسید. این پروتکل تاکنون به امضای ۵ کشور رسیده است، ولی برای اجرایی شدن به امضاء و تصویب حداقل ۱۰ کشور نیاز دارد. بر اساس این پروتکل، کشورهای امضاءکننده متعهد می‌شوند که: هنگام لازم‌الاجرا شدن پروتکل، هیچ‌گونه تعرفه جدید یا افزایش تعرفه‌ای را بر واردات کالا از سایر کشورهای متعاقد که بر اساس پروتکل، مشمول کاهش تعرفه قرار گرفته‌اند، اعمال نخواهند کرد. ۷ درصد از کل کالاهای قابل مبادله خود را که در جدول ملی کدهای تعرفه^۲ قرار دارند، طی یک دوره ۴ ساله مشمول کاهش تعرفه خواهند کرد (Comcec Secretaria, 2005).

ایران، هر چند عضو کمیته مذاکره‌کننده تهیه‌کننده پروتکل و قبل از آن عضو موافقتنامه چهارچوب بوده است، اما بنا به دلایلی نتوانست مانع از تغییر بخشی از مفاد بندهای ۸ و ۹ در رابطه با اعمال مقررات سازمان تجارت جهانی پروتکل شود و بنابراین در اجلاس استانبول از امضای آن خودداری کرد. با این حال پس از مشورت با دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی، دولت ایران آمادگی رسمی خود را برای امضای پروتکل با تحفظ نسبت به اعمال بندهای ذکر شده تا هنگام عضویت کامل در سازمان تجارت جهانی، اعلام کرده است.

به طور کلی، انعقاد پروتکل ترجیحات تجاری کنفرانس اسلامی پس از سال‌ها انتظار، گامی مثبت در مسیر توسعه همکاری‌های تجاری کشورهای اسلامی و اقدامی همسوی با تحولات مربوط به نظام تجارت جهانی محسوب می‌شود. بنابراین باید امیدوار بود که پس از لازم‌الاجرا شدن پروتکل، چهارچوبی قاعده‌مند برای تنظیم مبادله‌های تجاری کشورهای عضو فراهم شود.

1. Standing Committee for Economic Cooperation (COMCEC)

2. National Tariff Codes

و آنها بتوانند با اعمال مکانیزم کاهش تعرفه بر ۷ درصد از کالاهای مهم قابل مبادله خود، سطح مبادله‌های تجاری بین خود را افزایش داده و بخشی از بازارهای خود را به روی یکدیگر بگشایند. پیوستن به این پروتکل و اجرای آن می‌تواند دسترسی به بخشی از بازار کشورهای اسلامی را برای ایران تضمین کند، اما به همان نسبت بازار ایران را نیز به روی این کشورها باز می‌کند، البته با تعرفه‌های به نسبت بالای وارداتی. ولی موفقیت این پروتکل مستلزم پیوستن حداکثر اعضای کنفرانس اسلامی و تسریع در لازم‌الاجرا شدن آن است.

ایران و همکاری‌های تجاری با اعضای اتحادیه همکاری‌های حاشیه اقیانوس هند

پیشنهاد تشکیل اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند، در اواسط دهه ۱۹۹۰ توسط کشور موریتس مطرح شد. این اتحادیه در حال حاضر ۱۸ عضو دارد. اتحادیه اقیانوس هند با داشتن جمعیت ۱/۹ میلیارد نفری - حدود یک سوم جمعیت کره خاکی - و وسعت خاک ۸ میلیون کیلومتر مربع و ویژگی مهم قرار داشتن در حاشیه آب‌های آزاد، به طور بالقوه فرصت تبدیل شدن به یک اتحادیه قدرتمند اقتصادی در آسیا را دارد. اما پراکندگی اعضا در دو سوی حاشیه طولانی اقیانوس هند به همراه سطح نابرابر توسعه اقتصادی مانع از سرعت یافتن یکپارچگی اقتصادی آنها می‌شود. اهداف کلی اتحادیه بر پایه آزادسازی تجاری، تقویت همکاری‌های آموزشی، تکنولوژیکی و ایجاد تسهیلات تجاری و سرمایه‌گذاری با هدف تقویت روابط تجاری بین کشورهای عضو تعریف شده است. حجم روابط دوجانبه تجاری کشورهای عضو اتحادیه در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۲/۳۶ تریلیون دلار برآورد شده است و هفت کشور مالزی، اندونزی، تایلند، سنگاپور، استرالیا، هند و امارات متحده عربی بیش از ۹۰ درصد مجموع تجارت خارجی اعضای اتحادیه را در دست دارند (اداره کل همکاری‌های اقتصادی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵).

طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۵ ریاست دوره‌ای اتحادیه به عهده ایران بوده و با استفاده از این فرصت تلاش کرده است تا تحرک جدیدی را در فعالیت‌های آن ایجاد کند. گرفتن تصمیم‌هایی در نشست‌های سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ شورای وزیران در تهران در زمینه اولویت‌بندی پروژه‌ها، ایجاد صندوق حمایت مالی، طرح عمل ده ساله اجرای پروژه‌ها به صورت خوشه‌ای^۲ و تقویت دبیرخانه در این راستا قابل ذکر است (IOR-ARC/Com7/o7, 2008). در سال ۱۳۸۳ صادرات ایران

1. Indian Ocean Rim Association for Regional Cooperation (IOR-ARC)

2. Approach Cluster

به کشورهای عضو اتحادیه، حدود ۲ میلیارد دلار بود که بیشترین آن به ترتیب با امارات (۶۳ درصد)، هند (۲۴ درصد) و اندونزی (۴۵ درصد) انجام گرفته است. از روند همکاری‌ها در اتحادیه اقیانوس هند اینگونه بر می‌آید که دستیابی به هدف آزادسازی تجاری دور از دسترس است، اما برای کشوری مثل ایران که به دلیل عضو نبودن در سازمان تجارت جهانی با مشکلات دستیابی به بازارهای آزاد جهان مواجه است، بازار گسترده و قابل دسترس اعضای اتحادیه فرصت خوبی برای تجارت و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

ایران و همکاری‌های تجاری با اعضای گروه دی-۸

فکر اولیه تشکیل مجموعه‌ای موسوم به گروه دی-۸ به عنوان یک اتحادیه اقتصادی بین‌دولتی متشکل از ۸ کشور شاخص مسلمان در حال توسعه (شامل ایران، ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی، نیجریه، مصر، بنگلادش) برای اولین بار از سوی نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر وقت ترکیه و رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه با هدف تقویت همکاری اقتصادی و تجاری میان کشورهای ذکر شده و افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی پیشنهاد شد. این گروه در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۶ با برگزاری اولین اجلاس سران و صدور بیانیه استانبول به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

همکاری و هم‌فکری در قالب گروه دی-۸ شامل همه زمینه‌ها از جمله هماهنگی و مشورت‌های سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی است. در اولین اجلاس سران، گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف علوم و فن‌آوری، تجارت و سرمایه‌گذاری، صنعت، امور مالی، فقرزدایی، کشاورزی، توسعه روستایی و انرژی ایجاد و مسئولیت هر یک از این گروه‌ها به یکی از اعضا سپرده شد. ششمین اجلاس سران دی-۸ که اواسط تیر ماه ۱۳۸۷ در کوالالمپور برگزار شد با تصویب نقشه راه ۱۰ ساله، اسناد مرجع و اعطای وضعیت حقوقی بین‌المللی به دبیرخانه دی-۸، گام مهمی را برای تقویت همکاری‌ها در این گروه در پیش گرفت.

موافقتنامه تجارت ترجیحی در پنجمین نشست سران در سال ۱۳۸۵ در بالی اندونزی به امضای ۸ کشور عضو از جمله ایران رسید و با تصویب ۴ کشور عضو لازم‌الاجرا خواهد شد. پروتکل مقررات مبداء این موافقتنامه نیز در جریان ششمین نشست سران در کوالالمپور به تصویب رسید. قانون پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه تجارت ترجیحی بین

کشورهای عضو دی-۸ در شهریور ماه ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید و سند تصویب آن نزد دبیرخانه تودیع شد (D8, 2006).

همکاری‌های ایران و اعضای اکو

سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه با هدف توسعه روابط و بسط همکاری‌ها، در سال ۱۹۸۴ با تأسیس سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بر بستر سازمان عمران منطقه‌ای که با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت آن متوقف شده بود، سنگ بنای یک همکاری جدید منطقه‌ای را بنیان نهادند. با فروپاشی اتحاد شوروی و پیوستن افغانستان و شش جمهوری مسلمان جدا شده از شوروی در سال ۱۹۹۲ به اکو، این سازمان از یک تشکیلات سه عضوی به سازمانی با ۱۰ عضو تبدیل شد. بر اساس منشور اکو، عهدنامه ازمیر، که در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید، این سازمان اهدافی را در زمینه توسعه اقتصادی پایدار، افزایش سطح زندگی و رفاه مردم، گسترش تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات، تلاش برای ادغام تجارت کشورهای منطقه با تجارت جهانی و تحکیم پیوندهای تاریخی و فرهنگی در منطقه دنبال می‌کند (کتاب سبز اکو، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

بر اساس استراتژی همکاری اقتصادی و سند چشم‌انداز اکو ۲۰۱۵، الویت‌های همکاری اکو در سه زمینه تجارت، انرژی و حمل و نقل تعیین شده‌اند. طی ۱۰ سال گذشته، در راستای تسهیل و توسعه همکاری‌های درون‌سازمانی و برقراری روابط با سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، طرح‌ها و پروژه‌ها و موافقتنامه‌های گوناگونی در اکو به تصویب رسیده‌اند که برخی از آنان عملیاتی شده و تعدادی نیز در آستانه اجرایی شدن قرار دارند.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که اکو با گذشت یک دهه از دوران جدید حیات خود، با وجود برخی مشکلات سیاسی و ساختاری و کمبود شدید منابع، توانسته است گام‌های اساسی درباره شناسایی زمینه‌های اصلی همکاری و نهادینه کردن این همکاری‌ها در چهارچوب انعقاد چندین موافقتنامه مهم منطقه‌ای و نیز هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌های ملی در سطوح منطقه‌ای بردارد. از جمله اقدام‌هایی که در این باره شده می‌توان به لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه چهارچوب حمل و نقل ترانزیت^۱ از ماه می ۲۰۰۶، آغاز به کار بانک تجارت و توسعه اکو^۲ از ژوئیه ۲۰۰۶،

1. ECO Vision 2015
2. Transit Transport Framework Agreement (TTFA)
3. ECO Trade and Development Bank (ECO TDB)

لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه تجاری اکو^۱ از مارس ۲۰۰۸، آغاز به کار صندوق اکو برای بازسازی افغانستان و تأسیس شرکت بیمه اتکایی اکو اشاره کرد. علاوه بر این، در طول این دوره صدها اجلاس کارشناسی، مقامات ارشد، وزراء و سران در زمینه‌های مختلف برگزار و تصمیم‌ها و توافق‌های مهمی برای پیشبرد همکاری‌های منطقه‌ای در پیش گرفته‌اند. به طور کلی، نرخ اجرای تقویم وقایع اکو در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ بالای ۷۵ درصد بوده است که یک رکورد برای اکو از زمان تشکیل سازمان محسوب می‌شود (ECO Secretariat, March 2008).

همکاری‌های تجاری در اکو

اکو به عنوان یکی از ترتیب‌های مهم منطقه‌ای، اهدافی را برای تعرفه‌زدایی و توسعه تجارت منطقه‌ای ترسیم کرده است که با ترتیب‌های مورد اشاره در ماده ۲۴ موافقتنامه گات و ماده ۵ موافقتنامه تجارت خدمات همخوانی دارد. بر اساس ماده ۲ عهدنامه ازبک، کشورهای عضو اکو متعهد شده‌اند با استفاده از تجربیات سایر اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و روندهای اقتصاد جهانی، برای حذف سریع موانع تجاری در منطقه اکو و توسعه تجارت درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای و در نهایت پیوستن کلیه اعضا به سازمان تجارت جهانی و ادغام در رژیم تجارت جهانی اقدام کنند. در استراتژی همکاری اقتصادی اکو نیز تجارت به عنوان یکی از سه اولویت اصلی فعالیت‌های سازمان تعیین شده است.

از بدو شکل‌گیری اکو، اقدام‌های متعددی با هدف توسعه تجارت درون منطقه‌ای بین اعضا صورت گرفته است که اغلب در قالب برگزاری ده‌ها اجلاس تخصصی و کارشناسی و تصویب و اجرای موافقتنامه‌هایی در زمینه تعرفه ترجیحی، تجارت ترانزیت، همکاری‌های گمرکی و حمل و نقل متجلی شده است. اولین ترتیب‌های تجارت منطقه‌ای اکو مربوط به سال ۱۹۹۱ است که سه کشور بنیانگذار با هدف توسعه تجارت منطقه‌ای و به عنوان اولین گام برای حذف موانع تجاری در منطقه، پروتکل ترتیب‌های تعرفه ترجیحی اکو را (در ۲۳ مارس ۱۹۹۱) در تهران امضاء کردند.

امضای این پروتکل در ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲ به گات اعلام شد و مفاد آن از ماه می ۱۹۹۳ به اجرا گذاشته شد. اما به دلایل کاربردی (بالا بودن نرخ متوسط ترجیحات (۱۰ درصد) و

1. ECO Trade Agreement (ECOTA)

محدود بودن فهرست کالاهای مشمول ترجیحات، در کل ۶۶ رقم) و همچنین تأثیر تحولات در رژیم تجارت جهانی (پیوستن دو کشور از سه کشور عضو به سازمان تجارت جهانی)، این ترتیب‌های کارایی نداشت و اجرای آن در عمل متوقف شد. با این حال اعضای اکو مذاکره در زمینه رسیدن به یک توافق منطقه‌ای برای کاهش تعرفه‌ها را با در نظر گرفتن شرایط متفاوت اقتصادی خود ادامه دادند.

موافقتنامه‌های اکو در زمینه تجارت منطقه‌ای

وزرای بازرگانی اکو در نشست سال ۱۹۹۸ خود برای یافتن راهکارها و رهیافت‌های جدیدی برای گسترش تجارت درون منطقه‌ای اکو، با در نظر گرفتن واقعیت‌های ظهور سازمان تجارت جهانی و تأثیرهای اجرای موافقتنامه‌های آن برای اعضای اکو، ایجاد یک گروه مذاکره‌کننده از کارشناسان ارشد تجاری را تصویب کردند. این گروه، موظف شد با بررسی موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای توسعه تجارت در بین اعضای اکو، مذاکره‌های خود را به سمت تهیه یک پیش‌نویس موافقتنامه جامع منطقه‌ای برای حذف موانع ذکر شده هدایت کند. این گروه بعد از شش نشست کارشناسی در مدت پنج سال، پیش‌نویس موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) را تهیه کرد که در دومین نشست وزرای بازرگانی اکو در تیر ۱۳۸۲ / ژوئیه ۲۰۰۳ در اسلام‌آباد به امضای پنج کشور رسید.

بر اساس موافقتنامه اکوتا، تعرفه ۸۰ درصد از کالاهای قابل مبادله بین کشورهای عضو، در مدت هشت سال حداکثر به ۱۵ درصد خواهد رسید. افغانستان به دلیل شرایط خاص اقتصادی از این محدوده زمانی مستثنی شده و باید ظرف مدت ۱۵ سال نسبت به کاهش تعرفه‌ها اقدام کند. کشورهای عضو این موافقتنامه، اجازه خواهند داشت ۲۰ درصد از کالاهای قابل مبادله خود را نیز در فهرست منفی (کالاهای خارج از شمول کاهش تعرفه) قرار دهند. اکوتا همچنین مقرراتی را در زمینه حذف تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای بین اعضاء، اقدام‌های ضد قیمت‌شکنی (آنتی دامپینگ)، مالکیت معنوی، قواعد مبداء، قاعده رفتار ملی خریدهای دولتی، سوبسیدها و غیره پیش‌بینی کرده است (ECO Secretariat, 2003, p.3).

موافقتنامه اکوتا توسط جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان و تاجیکستان امضاء شده و قرار است کشورهای آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان نیز آن را امضاء کنند. این

موافقتنامه پس از تصویب توسط مجالس قانونگذاری پنج کشور عضو، اجرایی خواهد شد. این مهم با توجه به تصویب لایحه اکوتا در مجلس شورای اسلامی در شهریور ماه سال ۱۳۸۶ و تأیید آن در شورای نگهبان تحقق یافته و این موافقتنامه یک ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب ایران نزد دبیرخانه اکو، یعنی در فروردین ماه ۱۳۸۷، لازم‌الاجرا شده است. بر اساس تصمیم هفدهمین اجلاس شورای وزیران اکو در مهر ماه ۱۳۸۶ در هرات (افغانستان)، کشورهای عضو موظف شدند حداکثر ظرف مدت ۳ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن اکوتا، اولین نشست شورای همکاری آن را تشکیل داده و اجرای موافقتنامه را آغاز کنند (ECO Secretariat, 2007, P.4). این نشست در خرداد ماه ۱۳۸۷ در شهر مرسین ترکیه برگزار شد و ضمن گرفتن تصمیم‌های مهمی در رابطه با اجرای تعهدهای کشورهای عضو، تاریخ عملیاتی شدن موافقتنامه را اول ژانویه ۲۰۰۹ تعیین کرد (ECOTA Cooperation Council, 2008).

انعقاد موافقتنامه اکوتا، دستاورد مهمی برای سازمان اکو محسوب شده و در صورت اجرای دقیق، تحول بنیادین در اقتصاد کشورهای عضو در راستای ایجاد منطقه آزاد تجاری تا سال ۲۰۱۵ و افزایش حجم مبادله‌های تجاری میان اعضاء ایجاد خواهد کرد. مجموع مبادله‌های تجاری درون منطقه‌ای ۱۰ کشور عضو از حدود ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید که ۷/۱ درصد از مجموع تجارت خارجی آنها را تشکیل می‌دهد. انتظار می‌رود با اجرای اکوتا، حجم تجارت درون منطقه‌ای اکو از ۷ درصد کنونی به حداقل ۲۰ درصد تا سال ۲۰۱۵ برسد.

اکوتا یکی از مهم‌ترین موافقتنامه‌های امضاء شده بین کشورهای عضو است که با هدف نهادینه کردن روابط تجاری بین کشورهای عضو سازمان تنظیم شده و چهارچوب بسیار مناسبی برای دسترسی به بازار چهارصد میلیون نفری منطقه ارائه می‌کند. این موافقتنامه همچنین گام جدی کشورهای عضو اکو به سمت یک همگرایی مؤثر اقتصادی منطقه‌ای مورد حمایت نظام تجارت جهانی محسوب می‌شود. اکو چند موافقتنامه مهم دیگر منطقه‌ای را نیز در زمینه حمل و نقل ترانزیت، تسهیل صدور روادید، تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، مقابله با تقلب‌های گمرکی، قواعد مبداء و غیره منعقد کرده است که اجرایی شدن کامل آنها می‌تواند مکمل اکوتا و تسهیل‌کننده تجارت منطقه‌ای باشد.

جمع‌بندی و نتیجه

این مقاله به دنبال تایید این فرضیه است که چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های تجاری منطقه‌ای نقش مهمی را در دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشور در زمینه توسعه روابط اقتصادی خارجی و به عبارتی پیشبرد دیپلماسی اقتصادی ایفا می‌کند. همچنین در صدد رد فرضیه جانشین رقیب مبنی بر توانایی نداشتن ایران در برقراری روابط منطقه‌ای و ضرورت تمرکز بر روابط دوجانبه بر آمده است. در این رابطه گفته شد که اسناد راهبردی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی را به رسمیت شناخته و مورد تأکید قرار داده‌اند. بدیهی است که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی محصولات تولیدی خود و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی کشور، باید پی‌گیری عضویت در سازمان جهانی تجارت را محور اصلی این تعامل قرار دهد.

از آنجا که فرآیند عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، به عنوان دروازه ورود به نظام تجارت جهانی، بسیار پیچیده و طولانی است، بنابراین نمی‌توان توسعه روابط تجاری خود با کشورهای جهان را منوط به طی شدن کامل این فرآیند کرد. لازم است ایران نیز با استفاده از گزینه‌های مشابه به بسط تجارت و کسب آمادگی برای تعامل با اقتصاد جهانی همت گمارد. برای این هدف، مسیر آسان‌تر و کم‌هزینه‌تری که پیش‌روی ایران قرار دارد، ورود به انواع همگرایی‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری در قالب‌های دو و چندجانبه از یک سو و تلاش برای ورود به عرصه تجارت چندجانبه از طریق تکمیل فرآیند عضویت در سازمان جهانی تجارت از سوی دیگر است.

در این رابطه، سازمان‌ها و گروه‌بندی‌هایی نظیر اگو، دی-۸، اتحادیه اقیانوس هند و کنفرانس اسلامی به دلیل توجه بیشتر به همکاری‌های تجاری و در پیش گرفتن اقدام‌های عملی در این زمینه و نیز داشتن اعضای مشترک که در مجموع روابط تجاری ایران را با تمامی همسایگان به جز روسیه تنظیم خواهند کرد، مکانیسم‌های مناسبی برای تعامل مؤثر و سودمند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند. در همین حال، اگو تنها سازمان منطقه‌ای است که دبیرخانه آن در تهران بوده و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی زیادی از سوی کشورمان برای ایجاد و ادامه فعالیت آن انجام شده است. بنابراین، باید بتوان از طریق این مکانیسم مهم در اختیار، راه ورود آسان به اقتصاد جهانی را هموار کرد. ایران به دلیل میزبانی مقر اگو، موقعیت ویژه و همچنین

نقش محوری در فعالیت و تصمیم‌گیری‌های این سازمان دارد. بنابراین ناگزیر است که به این موضوع به عنوان یک راهبرد ملی نگاه کند و پیشبرد امور اکو را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار دهد. به طور کلی، در رابطه با سازمان‌ها و موافقت‌های تجاری منطقه‌ای که ایران در آنها عضویت دارد یا در پی عضویت است، در پیش گرفتن یک رویکرد فعال‌تر و مبتنی بر منافع ملی مستلزم توجه به این اقدام‌ها است:

- حاکم کردن نگرش اقتصادی در همکاری‌ها و نیل به حداکثرسازی منافع تجاری؛ انتخاب کشورهایی که شرکای طبیعی ایران بوده و بیشترین امکان همکاری تجاری را با ما دارند؛
- کالاهای مشمول آزادسازی با توجه به اصل دسترسی بیشتر به بازار طرف‌های دیگر انتخاب شود؛

- اصل امتیازهای متقابل و متعادل در زمینه کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای مد نظر قرار گیرد؛

- جلب حمایت قدرت‌های بزرگ اقتصادی آسیا (مثل چین، ژاپن، کره) از روند همکاری‌های منطقه‌ای از طریق جلب سرمایه‌گذاری و توسعه مناسبات تجاری با آنها مورد توجه قرار گیرد و آسیب‌شناسی همکاری‌های منطقه‌ای با هدف شناسایی و رفع موانع و مشکلات آنها و در نهایت اینکه همگرایی منطقه‌ای و روند آزادسازی تجاری نیازمند صبر و حوصله است. باید مراحل مختلفی را در بستر یک اراده و انگیزه بالای سیاسی طی کرد تا به یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای رسید. این مسیر برای اتحادیه اروپا بیش از ۵۰ سال و برای آسه‌آن ۴۰ سال طول کشید.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱. اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۳)، **جهانی‌شدن و سیاست خارجی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲. بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۵)، **اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن**، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۳. دامن‌پاک‌جامی، مرتضی (۱۳۸۶)، "گزارش موانع، مشکلات و راهکارهای پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ترجیحات تجاری کنفرانس اسلامی"، اداره کل همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۴. دامن پاک جامی، مرتضی (شهریور ۱۳۸۷)، تحول دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران و تاثیر آن بر روابط ایران و آسیای مرکزی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵. دفتر امور اکو وزارت امور خارجه (۱۳۷۷)، کتاب سبز اکو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. علیخانی، ابراهیم (۱۳۸۶)، "جمهوری اسلامی ایران و سازمان تجارت جهانی"، اداره هماهنگی مذاکرات تجاری وزارت امور خارجه.
۷. کمالی اردکانی، مسعود (زمستان ۱۳۸۴)، "ارزیابی سیاست تجاری منطقه‌گرایی در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۱.
۸. گزارش وضعیت کمیسیون‌های مشترک اقتصادی (مهر ۱۳۸۶)، اداره روابط اقتصادی وزارت امور خارجه.
۹. ممدوحی، فرزاد (۱۳۷۵)، کتاب سبز سازمان کنفرانس اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۰. موحدین، محسن (آبان ۱۳۸۶)، "دیپلماسی اقتصادی"، رویدادها و تحلیل‌ها، سال ۲۱، شماره ۲۱۴.
۱۱. وایت، برایان، دیپلماسی، در جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (مجموعه مقالات)، گردآوری استیواسمیت و جان بیلز. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
۱۲. "نگاهی به شاخص‌های عمده اقتصادی ۱۸ کشور عضو اتحادیه اقیانوس هند" (اسفند ۱۳۸۵)، اداره کل همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب- انگلیسی

1. **Document Issued by COMCEC Secretariat**, "Agreement on Trade Preferential System among the Member States of OIC" (November 2005), Istanbul.
2. **Document No .IOR-ARC/com 7/ REP/07** (2008), "Report of the 7th Meeting of IOR- ARC Council of Ministers".
3. **ECO Secretariat** (2008), "Annual Economic Report of ECO for 2006/07", Tehran.
4. **ECO Secretariat** (June 2003), "Text of ECO Trade Agreement", Tehran.
5. **ECO Secretariat**, "Report of the 17th COM Meeting Heart" (October 2007), Tehran.
6. **ECOTA** (June 2008), "Report of the First Meeting of ECOTA Cooperation Council in Mersin".
7. Kishan, Rana (2000), **Inside Diplomacy**, New Delhi: Manas Printing.
8. **RPC 18th Meeting**, "Report of the ECO Secretariat on the Implementation of Calendar of Events for 2006/07"(March 2008), Islamabad.

9. **Secretariat of D-8**, “Text of Preferential Trade Agreement among D-8 Member States” (May 2006), Istanbul.
10. “UNCTAD World Trade Report” (2007), Available at: www.unctad.org.
11. **WTO** (1995), “The Results of the Uruguay Rounds of Multilateral Trade Negotiations; the Legal Texts”, Geneva.
12. “WTO World Trade Report” (2006), Available at: www.wto.org.
13. **WTO Documents** (1995), No.WT/ACC/10,WT/ACC/10/Rev.3 and WT/ACC/1.